

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۷، پاییز ۱۴۰۲، صص ۳۸۶-۴۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1963679.2561](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1963679.2561)

تحلیل سبک‌شناختی حکایتی از تذکره‌الاولیا عطار نیشابوری با رویکرد تحلیل گفتمان

انتقادی

ویدا علی عسگری^۱، دکتر فرهاد طهماسبی^۲، دکتر ساره زیرک^۳

چکیده

سبک‌شناسی گفتمانی متأثر از تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی نقش‌گراست که در متن‌های ادبی از سطح جمله فراتر می‌رود و متن را در بافت موقعیت تحلیل می‌کند. در این شیوه علاوه بر تحلیل‌های سبک‌شناسی سنتی، محتوا، تأثیرگذاری افکار، ایدئولوژی و فضای آفرینش متن تبیین و بررسی می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی برای کشف و شناخت لایه‌های گوناگون تذکره‌الاولیا به عنوان اثر عرفانی برجسته، رابطه لایه‌های متن و زبان و ایدئولوژی نویسنده را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در لایه واژگان کاربرد واژگان دینی تحت تأثیر ایدئولوژی متن یعنی زهد و آخرت‌گرایی است و خواننده را به گفتمان زاهدانه ارجاع می‌دهد؛ بسامد فراوان وجوه اخباری و امری و افعال معلوم قطعیت و جزمیت متن را در لایه نحوی در پی داشته است و در لایه کاربردشناسی وجه شناختی تصریحی و ترغیبی در قالب جملات اخباری فراوان بکاررفته است که نشان‌دهنده آگاهی، باور و شناخت نویسنده از موضوعاتی است که مطرح می‌کند و در واقع خواسته‌ها و احساسات درونی، دغدغه‌مندی‌های خود را در خلال حکایات به خوانندگان گوشزد می‌کند؛ کلان لایه این حکایت ترغیب و تشویق آحاد مردم به ترک دنیا و پرهیز از نفسانیات است و بن ایدئولوژی آن زهد و آخرت‌گرایی است و وجه غالب گفتمان زاهدانه است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی گفتمانی، لایه واژگانی، لایه کاربردشناسی، لایه نحوی، تذکره‌الاولیا.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Vidaaliasgari@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Farhad.tahmasbi@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sara.zirak@gmail.com



مقدمه

در سبک‌شناسی سنتی ویژگی‌های سبکی متن بدون در نظر گرفتن ارتباط آن‌ها با بافت موقعیت در سطح جمله تحلیل می‌شد. بسیاری از پژوهش‌های سبکی، متن‌های گوناگون را به شیوه‌ی سنتی و تاریخی یعنی در سطوح زبانی، ادبی و فکری به صورت جداگانه و بدون برقراری ارتباط با یکدیگر بررسی کرده‌اند که اغلب تجزیه‌ی متن به دلیل قطع بودن ارتباط متن با بافت بیرونی آن به تحلیل معناداری منجر نمی‌شده است. بررسی زبان صوفیه و سبک نگارش آن‌ها راهی برای شناخت اندیشه‌ی آن‌هاست. تا کنون بیشتر تحقیقات عرفانی به تبیین مباحث درونی عرفان نظیر اندیشه و تفکر عرفانی، شیوه‌های سیر و سلوک و مقامات عرفانی و موضوعاتی چون انسان، خدا و جهان پرداخته شده و کمتر به سبک‌شناسی متن‌های عرفانی با توجه به بافت موقعیتی آن توجه شده است. بررسی آثار عرفانی از منظر سبک‌شناسی گفتمانی می‌تواند ما را در شناخت عرفا و اندیشه و ایدئولوژی آن‌ها، فهم بهتر متن‌های عرفانی، دین و گزاره‌های دینی یاری برساند.

سبک‌شناسی گفتمانی متأثر از تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی نقش‌گراست که در متن‌های ادبی از سطح جمله فراتر می‌رود و پس از آن متن را در بافت موقعیت تحلیل می‌کند. این رویکرد نوین علاوه بر تحلیل‌های سبک‌شناسی سنتی، محتوا، تأثیرگذاری افکار، ایدئولوژی و فضای آفرینش متن را بررسی می‌کند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی به صورت کیفی است و هدف این است که با رویکرد گفتمانی، خردلایه‌های واژگان، نحو، بلاغت و کاربردشناسی در حکایت «اویس قرنی» تذکره‌الاولیا بررسی شود. ضروری است برای کشف و شناخت لایه‌های گوناگون تذکره‌الاولیا به عنوان اثری عرفانی برجسته، رابطه‌ی لایه‌های متن و زبان برای شناخت ایدئولوژی متن بررسی شود.

پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر مقاله «سبک‌شناسی گفتمانی غزلی از سعدی (با تکیه بر تحلیل دو لایه واژگانی و بلاغی)» (۱۳۹۹) است. امینی و دیگران در مقاله بیان کرده‌اند که گفتمان‌های غالب از طریق تعامل و تقابل گفتمانی در سیمای شخصیت‌های اصلی غزل سعدی یعنی عاشق و معشوق باز تولید شده و روابط میان نهادهای دینی - عرفانی و حکومتی - سیاسی به عنوان نهادهای قدرتمند و گفتمان‌ساز از طرفی و نهاد تحت سلطه و پذیرنده عامه /

رعیت از طرف دیگر به نمایش گذاشته شده است. خراسانی و دیگران در مقاله «رمزگان و وجه: دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو» (۱۳۹۵) بیان کرده‌اند که آثار این شاعر نتیجه گفتمان غالب فرهنگی دوره سبک خراسانی بوده است، در نتیجه بسامد مفاهیم فلسفی و عقلانی در آن کاملاً چشمگیر است و نویسندگان نشان دادند رمزگان‌های برجسته اشعار ناصر خسرو و وجوه به کار رفته در آنها تحت تأثیر گفتمان فرهنگی عقلانی و خردگرایی دوران مؤلف است. با توجه به این که پژوهش حاضر بررسی یک متن عارفانه است می‌توان به مقاله پور مظفری (۱۳۹۳) نیز اشاره داشت؛ در این مقاله کلان ساختار مقامات صوفیان و نقش ایدئولوژیک هر یک از عناصر این کلان ساختار، تشریح و به نقش آن در روابط قدرت پرداخته شده است.

سجودی و اکبری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان مقامات مشایخ صوفیه»، به تحولات نهاد تصوف بر مبنای نظریه فرکلاف پرداخته و ارکان گفتمان سیرت ابن خفیف را نگرشی معقول بین عرفان و شریعت دانسته‌اند که به زهد و ریاضت و عبادت مبتنی است. نویسندگان نشان داده‌اند که متون متأثر از بافت موقعیتی خود، معرف گفتمان‌های متفاوتی هستند که ویژگی و خصایص زبانی خاص خودشان را دارند.

با توجه به پیشینه پژوهش و شباهت‌هایی که در روش تحقیق مقالات وجود دارد، می‌توان گفت تاکنون حکایات تذکرةالاولیا به شیوه سبک‌شناسی گفتمانی مورد بررسی قرار نگرفته است از این رو نگارنده ترغیب شده است حکایت اوئیس قرنی را به این طریق بررسی کند.

روش تحقیق

سبک‌شناسی گفتمانی روشی است برای شناسایی کاربرد زبان در متن‌های متفاوتی که به وسیله فردی معین با هدفی از پیش تعیین شده، تولید شده است. در واقع نظریه‌های سبک‌شناسی نوین بر اساس نظریه‌های «میشل فوکو (Michel Foucault) ، ژاک دریدا (Jacques Derrida) و میخائیل باختین (Mikhail Bakhtin)»، پایه‌ریزی شده است (ر.ک: مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۶۰). در سبک‌شناسی با رویکرد تحلیل گفتمان، خرد لایه‌های متنی در ارتباط با بافت موقعیتی، به عنوان کلان‌لایه مطالعه و بررسی می‌شود. بدین معنا که پژوهشگر متن را در بافت قرار می‌دهد و به بررسی ویژگی‌های سبکی و نقش و کارکرد آنها می‌پردازد که این امر در نهایت منجر به کشف ایدئولوژی و گفتمان غالب متن می‌شود.

کتاب «تذکره‌الاولیاء» درباره زندگی معنوی هفتاد و دو عارف است که در سه سده نخست تاریخ اسلام می‌زیستند. نام کتاب به معنای «یادنامه پارسایان» و هر باب آن ویژه یکی از عارفان و صوفیان نامدار است. در آغاز هر باب، چند جمله مسجع در ستایش پارسای مورد بحث آمده است و سپس به زندگی، شرح ایمان و کارهای شگرف او اشاره‌هایی شده و سپس عبارت‌هایی برگزیده از او نقل شده است. عطار در این کتاب ۹۸۸ حکایت و ۲۸۶۴ گفته پارسایان را گردآوری کرده است (ر.ک: احمدی، ۱۳۷۶: ۸).

در این پژوهش که به شیوه توصیفی، تحلیلی انجام پذیرفته است پس از معرفی سبک‌شناسی گفتمانی، در حکایت «اویس قرنی» تذکره‌الاولیاء متغیرهای لایه سبکی واژگانی - نحوی - کاربردشناسی بررسی می‌شود.

مبانی تحقیق

سه اصل نظری این پژوهش گفتمان، گفتمان‌کاوی و سبک‌شناسی گفتمان است که در این بخش معرفی و توضیح داده می‌شوند:

گفتمان

«گفتمان» اصطلاحی قابل ارتجاع در زبان‌شناسی است و بیشتر به معنی توالی‌های زبانی فراتر از جمله در گفتار و نوشتار بکار می‌رود. جنبه ممیز گفتمان آن است که «بر پویایی ارتباطی زبان تأکید می‌ورزد. با این معنی، تحلیل گفتمان یعنی بررسی تمامی مؤلفه‌هایی که بخشی از کنش ارتباطی را تشکیل می‌دهند، همانند فحوای سخن، هدف ارتباط و مواردی دیگر از این قبیل. این معنی برابر با واژه فرانسوی (Discourse) است که ادبیات داستانی و شعر را به عنوان گفتمان‌های روایی یا ادبی شامل می‌شود. زبان‌شناسان که گفتمان را با این توسع معنایی به کار می‌برند، از واژه متن هم برای متن‌های نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کنند» (داد، ۱۳۸۵: ۴۰۸).

سبک‌شناسی گفتمانی

گفتمان‌کاوی یک روش تحقیق بینارشته‌ای است که به «مطالعه ساختارهای متون می‌پردازد و برای آن که چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی و اجتماعی - فرهنگی متن‌ها را بررسی می‌کند. گفتمان‌کاوی در بستر انگلیسی - آمریکایی آن و از منظر جامعه‌شناختی تعامل کلامی، در شکل‌های گوناگون ارتباط شفاهی (گفت‌وگوهای روزمره، کنش‌های گفتاری، صحبت) اقتدار در مبادله‌های کلامی کندوکاو می‌کند» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

سبک‌شناسی گفتمان بر پایه نظریات فوکو، سرل شکل گرفته است، فوکو معتقد است که مناسبات قدرت در جامعه در نحوه ارتباط انسان‌ها و تولید دانش و زبان مؤثر است و آن را شکل می‌دهد. واژگان و مفاهیم که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت به دلیل دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی معناهای متفاوتی را القا می‌کند و نمی‌توانند ثابت و پایدار بمانند. در این رویکرد تحلیل سخن در سطح‌های فراتر از جمله است و سبک‌شناس را قادر می‌سازد تا زبان را در قلمرویی فراتر از جمله بررسی کند. در سبک‌شناسی تحلیل گفتمانی مقوله‌های فراتر از جمله همانند پیوستار دستوری، پیوستار معنایی، بافت، کنش گفتار، استنتاج معنایی برای توضیح و تفسیر متن ادبی به کار می‌روند (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

در سبک‌شناسی گفتمانی در سطح خردلایه‌ها عوامل درون‌زبانی واژگان، نحو، کاربردشناسی و بلاغت بررسی می‌شود و در سطح کلان عوامل برون‌زبانی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌شود. دلیل انتخاب این لایه‌ها این است که برای دستیابی به ایدئولوژی پنهان یک متن علاوه بر عوامل درون‌زبانی، بافت موقعیتی که مؤلف در آن قرار دارد در رساندن معنا و ایدئولوژی متن نقش به‌سزایی دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان انتقادی یکی از رویکردهای سبک‌شناسی است که با تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی یک متن، چگونگی کاربرد یا شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی را در زبان مورد بررسی قرار می‌دهد و به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض‌نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آن در زبان علاقه‌مندند. به عبارت دیگر، هدف تحلیل گفتمان انتقادی، نابرابری اجتماعی است آن گونه که در زبان به کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن می‌شود (ر.ک: آقا گل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۶).

بررسی انتقادی ساخت کلان زبان یا «تحلیل انتقادی گفتمان» عبارت است از تحلیل و توصیف هم‌سویی گفتار با کارکرد اجتماعی آن. گفتمان در اصطلاح عبارت است از کلامی که دارای ساختار و ماهیت اجتماعی باشد. گفتمان با توجه به محیط اجتماعی که در آن تولید می‌شود و نیز براساس جایگاه و شأن افرادی که سخن می‌گویند یا نویسند و نیز با توجه به مخاطبان شکل می‌گیرد. گفتمان پدیده‌ای اجتماعی است و این که اظهارات، گزاره‌ها، کلمات و

عبارات، چه مفهومی پیدا می‌کند بستگی به زمان، مکان و موقعیت سخن دارد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

سبک‌شناسی انتقادی اگرچه دارای اهداف و ابزارهای مشترک با تحلیل گفتمان انتقادی است، بیشتر بر متن تمرکز دارد و ویژگی‌های سبکی متون را در بافت اجتماعی و با توجه به مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت بررسی می‌کند.

تحلیل گفتمان انتقادی ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. طرفداران این نظریه معتقدند بافت کاربرد زبان بابافت وسیع‌تر اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. این شیوه بر رابطه متن ادبی با بافت اجتماعی فرهنگی که متن در آن تولید می‌شود، تاکید دارد. لایه‌هایی که در سبک‌شناسی گفتمانی بررسی می‌شوند عبارتند از:

الف) لایه نحوی

نحو شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه و بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژه‌ها و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان می‌پردازد که این لایه به نوعی با اندیشه‌گوینده و مؤلف ارتباط دارد. در لایه نحوی کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان همه به نوعی بیانگر اندیشه و ایدئولوژی مؤلف هستند که با بررسی مؤلفه‌های نحوی می‌توان ردپای سبک و اندیشه مؤلف را در یک متن دنبال کرد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

ب) لایه واژگانی

بررسی و شناخت واژگان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه ساختمان درونی واژه‌ها و روابط حاکم بر آن‌ها می‌پردازد. هدف نهایی این بحث دست یافتن به نظریه‌ای است که دو منظور را برآورده سازد:

اول این که می‌توان به کمک این نظریه ساختمان واژه در زبان مورد مطالعه را توصیف کرد و ابزاری برای شناسایی انواع واژه‌های یک متن به دست آورد؛ و هدف دوم این که بعد از شناسایی واژه‌های یک متن به بررسی میزان تأثیر واژه‌ها در بیان ایدئولوژی گوینده یا مؤلف پرداخته می‌شود زیرا که واژه‌های یک متن ما را به دریافت ایدئولوژی اصلی مؤلف نزدیک می‌کند (ر.ک: شقاقی، ۱۳۸۶: ۲۰).

پ) لایه کاربردشناسی

دانش کاربردشناسی به قصد گوینده و مؤلف و هم‌چنین معنای ضمنی جمله‌ها توجه می‌کند به‌گونه‌ای که در نوشتار، علاوه بر عوامل درونی متن، بافت اجتماعی و بیرونی، نقش و یا کارکرد متن نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا به ایدئولوژی گوینده یا مؤلف پی برده شود. (ر.ک: پالمر، ۱۳۹۱: ۱۴). همچنین کاربردشناسی یا منظورشناسی معنای لحن را در موقعیت و بافتی که به کار برده شده بررسی می‌کند. بخشی از کار کاربردشناسی از این قرار است: «۱. بررسی معنی یک جمله، ۲. بررسی رابطه میان جمله و منظور گوینده، ۳. بررسی معنای سخن با ارجاع به باورهای سخن، ۴. بررسی نیت و انگیزه‌های گوینده، ۵. کاربرد واژگان و جملات در بافت روزمره» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۳۹).

بحث

سبک‌شناسی گفتمانی حکایت «اویس قرنی» تذکرةالاولیا

تذکرةالاولیا شرح حال عمومی عده ای از عرفاست که عطار با هدف تعلیم و تربیت مریدان این اثر را نگاشته است. کتاب به لحاظ ساختار منسجم است؛ هر بخش بامتنی مسجع آغاز می‌شود و با بیان احوال و اقوال یکی از اولیا ادامه پیدا می‌کند و غالباً با والسلام تمام می‌شود. زبان در خدمت ارسال پیام است و با شیوایی انتقال‌دهنده این پیام است که شیوخ و منس و گفتار آنها در تعلیم و تربیت و تهذیب انسان‌ها نقش مهمی دارند.

در این پژوهش حکایت «اویس قرنی» در لایه‌های نحوی، واژگانی، کاربردشناسی و بلاغی به شیوه سبک‌شناسی گفتمانی تحلیل می‌شود. دلیل انتخاب حکایت «اویس قرنی» این بوده است که بار ایدئولوژی کافی را برای این شیوه از سبک‌شناسی دارد و در مطالعه موردی ساختارها بهتر نشان داده می‌شوند. عطار بخش دوم کتاب تذکرةالاولیاء را در یازده صفحه به ذکر اویس قرنی اختصاص داده است. حکایت اویس قرنی روایت مردی شتربان از دیار یمن است. اویس سراسر زندگیش را در آرزوی دیدار پیامبر بسر می‌برد و شیفته و مشتاق زیارت آن حضرت بود اما هیچگاه توفیق این دیدار نصیب او نشد و در نهایت در فراق دیدار رخسار یار در جنگ صفین در رکاب حضرت علی (ع) به شهادت رسید. اویس در پیشگاه خداوند و پیامبر مقام و جایگاه رفیعی داشت؛ پیامبر او را خیرالتابعین خطاب می‌کرد و پس از مرگ مرقعش را بدو بخشید و خداوند نیز در بهشت برین فی مقعد صدق ماوایش داد.

عطار در این روایت به صورت موجز و با سجعی هنرمندانه و بیانی ساده ابتدا به ذکر جملات ستایش‌آمیزی از اوئیس قرنی می‌پردازد؛ سپس پانزده داستان و پنج سخن از پیامبر (ص) درباره اوئیس و در ادامه چهارده سخن عارفانه از اوئیس رانقل می‌کند. مطالبی که عطار درباره اوئیس بیان کرده است عبارتند از: شأن و مقام اوئیس قرنی نزد پیامبر (ص)، معرفی اوئیس به عنوان بهترین تابعین، تشبیه اوئیس به نفس‌الرحمان و سهیل یمانی و ... ، شفاعت او در قیامت، جایگاه او در بین اولیا، کرامات اوئیس (خبر دادن از غیب)، اوئیس و طریقه اوئیسیه در تصوف، سخنان منسوب به اوئیس قرنی، مقامات و حالات روحی و شهادت اوئیس قرنی (ر.ک: استعلامی، ۱۳۹۱: ۲۶-۱۷).

لایه نحوی

«وجهیت فعل صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تاکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدور، ۱۳۸۲: ۳۸). در لایه نحوی شناخت ارتباط متن با بافت و زمینه اصلی بررسی و میزان قطعیت متن و ساختمان جمله تحلیل می‌شود. در این ذکر درجه بالای قطعیت در جملات با وجه اخباری و امری و درجه پایین قطعیت با وجه التزامی، تمنایی، شرطی، دعایی نشان داده شده است. برخی جملات ترکیب این دو وجه را دارند.

الف: جملات امری و اخباری

- در این ذکر تعداد ۵۹ جمله با وجه اخباری و ۵۰ جمله با وجه امری آمده است:
- جملات اخباری به میزان وجود جملات تصریحی در این تذکره یافت می‌شود که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:
 - نقل است که چون رسول - علیه الصلوٰه و السّلام - وفات خواست کرد...
 - در امت من مردی است که به عدد موی گوسفندان ربیعه و مضر، او را در قیامت شفاعت خواهد بود...
 - او شتربانی است در یمن...
 - یکی گفت: هو احقرُ شأناً اَن یَطْبُئِه امیرالمومنین ...
 - چون فاروق، اوئیس را دید، گلیمی شتری پوشیده و سرو پای برهنه ...
 - چون اهل قرن از کوفه بازگشتند.

کاربرد فراوان وجه اخباری نشان‌دهنده میزان قطعیت بالای متن و بیانگر میزان پابندی نویسنده به حقیقت گزاره‌هاست. در متن شاهد هستیم که مولف باورها و احساساتش در رابطه با موضوع مورد نظر را با قطعیت بیان می‌کند: «در امت من مردی است که به عدد موی گوسفندان ربیعه و مُضَر، او را در قیامت شفاعت خواهد بود».

و اما جملات امری نیز نشان‌دهنده میزان قطعیت نویسنده در بیان آنچه می‌گوید و اقتدار او در مقابل مخاطبین است:

- رنج مبر، که چنان‌که در دنیا او را ندیدی، اینجا نیز نبینی ...

این جملات دارای وجه تمنایی و امری هستند:

- امت مرا دعا کن -. دست راست بنمای! - اَمْتان مرا دعا کن! - سپس مَرَقع پیغمبر به من دهید تا دعا کنم و حاجت خواهم.

این جملات دارای وجه اخباری و امری هستند:

- وصیتی کن! - زیاده کن! - بازگردید که قیامت نزدیک است.

ب: افعال معلوم

تقریباً همهٔ افعال این ذکر معلوم‌اند و ۱۲۳ مورد فعل معلوم در آن وجود دارد که تعدادی به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

- مرتضی خاموش نشست. - شرط دوستی موافقت است. - فاروق همه داشت. - خواستم تا دستش گیرم.

کاربرد فراوان افعال معلوم نشان‌دهنده این است که متن صدای فعال دارد و باور مسلم و قطعی نویسنده را نسبت به موضوعاتی که مطرح می‌کند نشان می‌دهد.

در ادامه در این بخش جملاتی که قطعیت ندارند بیان شده‌اند:

الف: جملات شرطی

تعداد جملات شرطی در این ذکر ۱۳ مورد است که سازهٔ دستوری آن اگر، تا و اما هستند:

- من خود این کار می‌کنم اما تو وصیت رسول به جای آر. (در معنی اگر تو وصیت رسول را به جای بیاوری)

- الهی این مَرَقع در نپوشم تا همهٔ امت محمد را به من بخشی.

- اگر آمدن شما نبود، مَرَقع در نپوشیدم تا همهٔ امت محمد را به من بخشیدی.

- اگر دوستی درست بودی، آن روز که دندان مبارک او بشکستند، چرا به حکم موافقت دندان خود نشکستید؟

ب: جملات التزامی

تعداد دو مورد جمله التزامی در این ذکر وجود دارد که سازه دستوری آنان اما و تا است:

- من او را در نیافتم، اما اخبار او از دیگران شنیدم.

- یا اویس چرا نیامدی تا پیغمبر را بدیدی.

ج: جملات تمنایی

تعداد ۱۴ مورد جملات تمنایی در این ذکر وجود دارد. از معنای درونی این جملات به مفهومی خواهش آن می‌توان پی برد و سازه‌ای در آن وجود ندارد:

- الهی کجاست؟ - اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات. - مرا خبری روایت کن، از رسول علیه

الصلوة و السلام.

د: افعال مجهول

تعداد ۲ فعل مجهول در این ذکر وجود دارد که این تعداد کم در مقابل فعل معلوم دلیل محکمی برای قطعیت بالای ذکر است:

- اویس را حرمتی پدید آمد. - نقل است.

توزیع فراوانی ساخت‌های وجهی

تعداد کل بندها	وجه التزامی			وجه امری	وجه اخباری
	التزامی	تمنایی	شرطی		
۱۳۸	۲	۱۴	۱۳	۵۰ مورد	۵۹ مورد
۱۰۰٪	۵/۱٪	۱۰٪	۵/۹٪	۳۶٪	٪ ۴۳

توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول

تعداد کل بندها	مجهول	معلوم
۱۲۵	۲ مورد	۱۲۳ مورد
۱۰۰٪	۵/۱٪	۵/۹۸٪

لایه واژگانی

واژگان نشان‌دار «علاوه بر اشاره به مصادیق خاص، بر ایدئولوژی نویسنده یا گوینده و پدیدآورنده متن دلالت دارند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

این واژگان در متن می‌توانند در ارتباط با مقوله ایدئولوژی معنا دار باشند و بین متن با بافت بیرون آن ارتباط برقرار کنند. به طور مثال بسامد این واژگان، رمزگان‌های دینی و زاهدانه، شاخص‌ها، واژگان مترادف و تکراری که مورد بررسی ما هستند می‌توانند هر کدام در جهت اقناع ایدئولوژی متن به کار رفته باشند.

در این بخش واژگان نشان‌دار و شاخص‌ها برای بررسی مدنظر قرار می‌گیرند. پیشتر موضوعاتی را که عطار در حکایت اویس قرنی مطرح کرده، نام برده شد. بر اساس این موضوعات در این حکایت واژگان نشان‌داری بررسی می‌شود که باورها در مورد اویس قرنی، جایگاه و مقام و موقعیت والای او در پیشگاه خداوند و پیامبر در این حکایت نشان داده می‌شود.

۹۰ مورد واژه نشان‌دار با محوریت مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با اویس قرنی وجود دارد. این واژگان نشان‌دار درون‌مایه معنوی و عرفانی حکایت را بازتاب می‌دهند.

عطار واژگان قبله تابعین، قدوه اربعین، آفتاب پنهان، هم نفس رحمن و سهیل یمنی را در آغاز ذکر بیان کرده است و در انتهای آن اسم اویس قرنی را بیان کرده است. کلمات ابتدایی ارزش و جایگاه اویس را یادآور می‌شوند.

شاخص‌ها

الف: شاخص مکانی

شاخص‌های مکانی این ذکر بسیار است که برخی برای نمونه آورده می‌شود:

یمن، عالمین، عالم، قیامت، عرصات، بهشت، سرای دنیا، هژده هزار عالم، زیر قبه تواری، آخرت، کوشک، مقعد صدق، دنیا، اینجا، کوفه، نجد، وادی، غرنه، وادی، روی خاک، نزدیک اویس، ...

اغلب شاخص‌های مکانی بکاررفته همچون هژده هزار عالم، مقعد صدق، کوشک و... با توجه به درونمایه معنوی حکایت، در دایره رمزگان دینی معنا پیدا می‌کنند از این رو در پیدا کردن این مؤلفه‌ها در پی قطعیت یا عدم قطعیت متن نخواهیم بود (۵۳ مورد).

ب: شاخص زمانی

گاهگاه فردای قیامت، فردا، روز، چون (به معنی وقتیکه)، بعد از وفات پیغمبر، یک روزه، هزار ساله، آن روز، قیامت نزدیک است، اکنون. (۲۷ مورد).

شاخص‌های زمانی فردا، امروزه زمان خاصی در حال یا آینده دلالت نمی‌کند بلکه این شاخص‌ها در دایره رمزگان دینی معنا پیدا می‌کنند و در معنای دنیا و آخرت هستند.

ج: شاخص شخصی

شاخص‌های شخصی اصل: اویس قرنی، خواجه انبیا (محمد ص) شاخص‌هایی که در مورد اویس می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، بسیار مفصل و گسترده است. قبله تابعین، قدوه اربعین، آفتاب پنهان، هم نفس رحمان، سهیل یمنی، کسی که ستاینده او رحمة للعالمین است، عبد من عبیدالله،

عطار تا صفحه سوم این ذکر، شاخص‌های فراوانی در وصف اویس قرنی می‌آورد؛ توصیفاتی که از او ارائه می‌دهد به صورت نمادین دلالت بر منش ظاهری و حالات روحی اویس دارد. تمامی شاخص‌هایی که در وصف اویس آمده است مقام بالا و احترام و ارادت عطار به او را نشان می‌دهد.

شاخص شخصی خواجه انبیا نیز؛ بارها تکرار می‌شود اما نکته قابل تامل حکایت جایگاه بسیار بالای اویس است. زیرا زمانیکه در بهشت محمد (ص) در طلب اویس است، خداوند می‌فرماید: رنج مبر که چنان که در دنیا او را ندیدی، اینجا نیز نبینی. و در جواب سؤال دیگر که حضرت می‌پرسند: مرا ببند؟ فرمان رسد که: کسی که ما را ببند، تو را چرا ببند؟

جدول شاخص‌ها

شاخص‌های شخصی		شاخص‌های زمانی	شاخص‌های مکانی
پیامبر	اویس قرنی		
خواجه انبیا؛ علیه الصلوة والسلام، نبی صلی الله علیه و آله و سلم، خواجه عالم	قبله تابعین، قدوه اربعین، آفتاب پنهان، هم نفس رحمان، سهیل یمنی، کسی که ستاینده او رحمة للعالمین است،	گاهگاه فردای قیامت، فردا، روز، چون (به معنی وقتیکه)، بعد از وفات پیغمبر، یک روزه، هزار ساله، آن روز، قیامت	یمن، عالمین، عالم، قیامت، عرصات، بهشت، سرای دنیا، هژده هزار عالم، زیر قبه توارى، آخرت، کوشک، مقعد

صدق، دنیا، اینجا، کوفه، نجد، وادی، غرنه، وادی، روی خاک، نزدیک اویس،	نزدیک است، اکنون	عَبْدُ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ،
---	------------------	------------------------------

رمزگان دینی

واژگان زاهدانه

نماز، سلام، دعا، حاجت، تجرید، روزه، مرقع، سه بار تسیح گفتن، روی برخاک نهادن، دل، حجاب دیگران، عدل، هزار سال عبادت...، قبله التابعین و...
کار برد شاخص‌ها و رمزگان‌های زاهدانه بدین شیوه در حکایت، نشانگر تاثیر گفتمانی است که نویسنده متأثر از آن است. بسامد بالای این واژگان مرتبط با نهاد تصوف، ارتباط معناداری با ایدئولوژی حاکم بر متن دارد و تقویت‌کننده بن ایدئولوژی دعوت به زهد و آخرت‌گرایی است و رابط خوبی بین متن با بافت بیرونی آن است.

تکرار

تکرار فراوان شاخص «خواجه انبیا» و نام «اویس قرنی» به عنوان عنصر تاکید می‌تواند جهت‌گیری فکری نویسنده را نشان دهد و جایگاه بالای اویس و پیامبر را در حکایت به مخاطب تذکر می‌دهد.

لایه کاربردشناسی

در بررسی اندیشه عطار واضح است که از نظر او صوفیان از درجه و منزلت بسیار بالایی نزد پروردگار برخوردارند. معیار او برای ارزشمندی جایگاه معنوی، سختی و مشقت و نادیده گرفتن نفس و ترک انانیت است. هرچه سختی و مشقت بیشتر باشد جایگاه معنوی دنیوی و اخروی فرد بالاتر می‌رود. نشانه‌های ایدئولوژیکی مرتبط با اعتقادات اسلامی و احادیث نبوی در این حکایت فراوان تکرار شده است.

عطار در قالب شخصیت‌های حکایت به تشویق، ترغیب، تحذیر و سر باز زدن، فنون استدلال، مباحثه، صراحت بیان و دعا پرداخته است. با تحلیل این زمینه‌ها دریافته می‌شود که او با استفاده از ابزار زبان منظور خود را در قالب گفتار به مخاطب فهمانده است. در نتیجه با مؤثر واقع شدن کلام‌اش بر مخاطب ایدئولوژی خود را به تحقق رسانده است.

آستین در مبحث کنش گفتار سه سطح متفاوت از کارهایی را که انسان هنگام تکلم انجام می‌دهد، معرفی کرده است:

۱. کنش بیانی: اظهار عبارت‌هایی که معنا و مصداق ندارند.

۲. کنش منظوری: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد.

۳. کنش تأثیری: سخن معنادار در شنونده تأثیر خاص می‌گذارد (ر.ک: پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰).

در تکمیل این تقسیم‌بندی، «سرل برای کنش‌های گفتاری دسته‌بندی پنج‌گانه، کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی را معرفی کرده است» (Searel & Vanderveken, 1985: 35).

الف: کنش‌های تصریحی یا اظهاری

این کنش توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده اعتقاد خود را درباره‌ی درستی مطلبی بیان و اظهار می‌کند. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

در این حکایت تعداد ۱۰۳ عبارت دارای کنش تصریحی هستند که نشان می‌دهد این کنش از فراوانی بالایی برخوردار است. در همه‌ی ذکرهای تذکره‌الاولیاء، نویسنده در آغاز، به معرفی شخصیت عرفانی مورد نظر می‌پردازد. معرفی کردن، گزارش دادن، دلیل آوردن و بیان کردن و ... از مؤلفه‌های کنش تصریحی هستند.

کنش اظهاری در حکایت اوئیس قرنی نیز با الفاظ و ترکیبات مرتبط با معرفی، استدلال، مباحثه و اثبات بیان شده است.

معرفی: عبارات زیربرای معرفی اوئیس قرنی بیان شده است اما از آنجا که این عبارات محتوای تحسین، درود و احترام به اوئیس است و عاطفه نویسنده را بیان می‌کنند در کنش عاطفی نیز می‌توان قرار داد:

- آن قبله‌ی تابعین، آن قدوه‌ی اربعین، آن آفتاب پنهان، آن هم نفس رحمن، آن سهل یمینی.
استدلال: عبارات زیربیانگر استدلال نویسنده است و در شمار کنش تصریحی قرار می‌گیرد.
- خواجه انبیا- علیه الصلوٰه و السلام- گفت: فردای قیامت، حق تعالی- هفتاد هزار فرشته بیافریند، در صورت اوئیس تا اوئیس در میان ایشان به عرصات برآید و به بهشت رود. تا هیچ آفریده واقف نگردد- الا ماشاءالله- که اوئیس در میان کدام است که در سرای دنیا، حق را در زیر قبه‌ی تواری عبارت می‌کرد ... تا در آخرت نیز از چشم اغیار، محفوظ ماند.

مباحثه

- اویس گفت: توبه دعا کردن اولیتری ... فاروق گفت: من خود این کار می‌کنم اما تو وصیت رسول به جای آر.

اثبات

- دست راست بنمای! بنمود. آن نشان که پیغمبر - علیه الصلوٰه و السلام - فرموده بود، بدید.

ب: کنش ترغیبی

در این کنش مخاطب برای انجام عملی و قرار دادن شنونده در موقعیت تکلیف و اجبار برای انجام کاری ترغیب می‌شود. گوینده می‌کوشد کارهایی انجام شود با اعمال شنونده در آینده مطابقت داشته باشد (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

تعداد ۲۷ مورد کنش ترغیبی در حکایت اویس قرنی وجود دارد که در قالب پرسش، تقاضا، التماس و پند بیان شده است.

سوال

- به زبان من کجا راست آید؟
- خواجه انبیا ... در بهشت از کوشک خود بیرون آید. چنان که کسی مر کسی را طلبد.
خطاب آید که: که را می‌طلبی؟ ... الهی کجاست؟ ... مرا بیند؟

سوال و خواهش

- فاروق گفت: او کجاست؟ که ما او را می‌طلبیم.

درخواست از مخاطب

- سلام من برسانید و بگویید که: امت مرا دعا کن.

طلب بخشش

- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.

پند و اندرز

- اویس گفت: کسی که عقل ندارد. چه می‌فروشی؟ بینداز تا هر که خواهد برگیرد. خرید و فروخت در میان چه کار دارد؟

ج: کنش عاطفی

این کنش بیان حالت روانی است که شخص در آن شریک و دخیل است. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک و ناسزا بیان می‌کند که با بیان هر گزاره در

شخص احساس‌های گوناگون خوشحالی و غم و غیره به وجود می‌آید (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

۳۱ مورد عبارت حاوی کنش عاطفی در حکایت وجود دارد. تمامی عباراتی که در آغاز حکایت در وصف اویس ذکر شده است، کنش عاطفی دارند. این عبارات محتوای تحسین، درود و خوش‌آمد دارند و تعریف و تمجید از اویس هستند و در ذات خود محترمانه تلقی می‌شوند و دارای لحن و کنش عاطفی هستند.

تعریف و تمجید و بیان احساسات

آن قدوه اربعین، آن آفتاب پنهان، نفس رحمن...

- ستایش کسی که ستاینده او رحمه للعالمین است.

- حق تعالی - هفتاد هزار فرشته بیافریند، در صورت اویس.

- عجب! چنین عاشق تو و به خدمت تو نشتافته است؟

ترحیب و خوش‌آمدگویی

- هاتفی آواز داد چندینی به تو بخشیدیم. درپوش.

درود و ثنا

- رسول علیه الصلوة و السلام.

- پیغمبر خدا تو را سلام فرستاده است.

- سلام باز داد.

د: کنش تعهدی

این کنش با تعهد ساختن گوینده برای انجام کاری در آینده ارتباط دارد؛ گوینده با قول و سوگند و غیره تعهد می‌دهد که در آینده عملی را انجام دهد. هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای عمل آینده گوینده است (ر.ک: زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۹).

در این ذکر ۲۹ مورد عبارت دارای کنش تعهدی هستند. در واقع تمامی نقل قول‌ها و فرمایشاتی که عطار از زبان رسول اکرم، فاروق و اویس نقل می‌کند کنش تعهدی است.

- خواجه عالم گفتی: نفس رحمن از جانب یمن همی‌یابم.

- خواجه انبیا... گفت: فردای قیامت، حق تعالی - هفتاد هزار فرشته بیافریند ...

ح: کنش اعلامی

این کنش شرایط تازه را برای مخاطب اعلام می‌کند که گوینده با داشتن توانایی و قدرت لازم با اعلام‌هایش بر جهان دگرگونی‌های حقیقی را به وجود آورد (ر.ک: زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۹).

تعداد ۵۸ مورد عبارت دارای کنش اعلامی در این حکایت وجود دارد.

بسامد کنش‌های گفتاری

کنش‌های گفتاری متن	تعداد	درصد
اظهاری	۱۰۳	۵/۴۱٪
ترغیبی	۲۷	۱۱٪
تعهدی	۲۹	۵/۱۱٪
عاطفی	۳۱	۵/۱۲٪
اعلامی	۵۸	۵/۴۳٪

بیان غیر مستقیم

ذکر جملات دعایی

در حکایت اوئیس قرنی تعداد ۲۴ جمله و عبارت دعایی وجود دارد. اغلب جملات دعایی این ذکر، بعد از نام پیغمبر اکرم، اوئیس قرنی و فاروق و مرتضی آمده است که جهت ادای احترام و بزرگداشت ذکر شده است:

– صلی الله علیه و آله و سلم. – رحمة للعالمین

جملات پرسشی

«انگیزه پرسش به دودلیل صورت می‌گیرد اول خود نویسنده نسبت به ماهیت اصلی موضوع و مسئله، علم و اطلاع کافی ندارد و ثانياً جملات پرسشی توجه خواننده را به ماهیت موضوع جلب میکند و او را از سوی گوینده به تفکر و تعمق دعوت می‌کند» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۸۸).

از آن جایی که طرح موضوع در قالب سوال، ذهن مخاطب را دچار ابهام می‌کند، تاثیر بیشتری بر او می‌گذارد.

در حکایت اوئیس قرنی تعداد ۳۴ جمله و عبارت پرسشی وجود دارد که برخی از آن‌ها در معانی ثانوی بکار رفته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

– به زبان من کجا راست آید؟ (استفهام انکاری)

– این دولت روی به که نهاد؟ (استفهام انکاری)

- یا رسول الله مرقع تو به که دهیم؟ (بزرگداشت)

هرم گفت: «کجا فرمایی که مقام کنم؟» (تقاضا و کسب اجازه)

اگر گور و کفن حجاب خواهد بود، حجاب دیگران بنگر که چیست؟ (تنبه و عبرت)

گفت: «چگونه باشد کسی که بامداد برخیزد و نداند که تا شب خواهد زیست؟» (تنبه و

عبرت)

گفتند: «یا او ایس چون طاقت می‌داری که شبی بدین درازی در یک حال به سر می‌بری؟»

(بیان شگفتی و حیرت)

- آه چرا آمدیدی؟ (درمعنای تنبیه و تحذیر)

- یا عمر خدای را شناسی؟ (بزرگداشت)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین لایه‌های سبکی و بافت موقعیتی در حکایتی از تذکره‌الاولیاء، ایدئولوژی نویسنده در این اثر بررسی شده است. با بررسی لایه‌های سبکی می‌توان اذعان نمود که در لایه واژگان کاربرد رمزگان‌های دینی بسامد بالایی دارند؛ همچنین شاخص‌های مکانی و زمانی در دایره رمزگان دینی قرار دارند و تحت تاثیر ایدئولوژی متن یعنی زهد و آخرت‌گرایی هستند و به گونه‌ای در متن آورده شده‌اند که خواننده را به گفتمان زاهدانه ارجاع می‌دهند. استفاده فراوان نویسنده از وجوه اخباری و امری و به‌کارگیری افعال معلوم قطعیت و جزمیت متن را در لایه نحوی در پی داشته است که نشان دهنده قاطعیت بالای نویسنده در بیان جمله‌هاست و بیانگر این است که صدای نحوی متن صدای فعال است. در لایه کاربردشناسی باکارکرد تعلیم و تربیت مریدان، وجه شناختی تصریحی و ترغیبی در قالب جملات اخباری بسامد بالایی دارد که نشان‌دهنده آگاهی، باور، شناخت و علاقه نویسنده به موضوعاتی است که مطرح می‌کند. کلان‌لایه این حکایت ترغیب و تشویق مریدان به ترک دنیا و پرهیز از نفسانیات است و بن ایدئولوژی آن زهد و آخرت‌گرایی است و وجه غالب گفتمان زاهدانه است.

منابع

کتاب‌ها

احمدی، بابک (۱۳۸۸) چهار گزارش از تذکره‌الاولیاء عطار، تهران: مرکز.

استعلامی، محمد (۱۳۹۱) تذکره‌الاولیا شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، تهران: زوار.
پالمر، فرانک (۱۳۹۱) نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: ماد.
پایا، علی (۱۳۸۳) فلسفه تحلیلی: مسایل و چشم‌اندازها، تهران: طرح نو.
جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان (۱۴۲۲ق) دلائل الاعجاز فی علم معانی، بیروت- لبنان:
دارالکتب العلمیه.

داد، سیما (۱۳۸۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
شقایق، ویدا (۱۳۸۶) مبانی صرف، تهران: سمت.
شمیسا، سیروس (۱۳۷۵) بیان و معانی، تهران: فردوس
صفوی، کوروش (۱۳۸۳) درآمدی بر معناشناسی، تهران: علوم و فرهنگ اسلامی.
فرشیدور، خسرو (۱۳۸۲) دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
فتوحی رودمعجنی، محمد (۱۳۹۵) سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران:
علمی.

عطار نیشابوری، شیخ محمد فریدالدین (۱۳۹۹) تذکره‌الاولیاء، تهران: سخن.
مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۵) دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد
نبوی، تهران: آگاه.
یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳) گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.

مقالات

امینی، سادینا، طهماسبی، فرهاد، و زیرک، ساره. (۱۳۹۹). سبک‌شناسی گفتمانی غزلی از
سعدی (با تکیه بر تحلیل دو لایه واژگانی و بلاغی). تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات
فارسی (دهخدا)، ۱۲ (۶)، ۱۲۹-۱۵۲. doi: 10.30495/dk.2020.679752
آقاگل‌زاده، فردوس، و غیاثیان، مریم‌سادات. (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان
انتقادی. زبان و زبان‌شناسی، ۳ (۵)، ۳۹-۵۴.
پورمظفری، داوود. (۱۳۹۶). کلان‌ساختار مقامات‌های صوفیان و نقش ایدئولوژیک آن. نقد
ادبی، ۱۰ (۳۷)، ۲۹-۵۸. doi: 20.1001.1.20080360.1396.10.37.7.8

- خراسانی، فهیمه، غلامحسین‌زاده، غلامحسین، حسینی، مریم، و سعیدی مهر، محمد. (۱۳۹۵). رمزگان و وجه: دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو. *جستارهای زبانی*، ۷(۴)، ۱۷۵-۱۹۳.
- سجودی، فرزانه، و اکبری، زینب. (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی گفتمان «مقامات» مشایخ صوفیه. *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۵(۴)، ۷۳-۹۷.
- زرقانی، سید مهدی، و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار. *ادبیات عرفانی*، ۴(۶)، ۶۱-۸۰. doi: 10.22051/jml.2013.86
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). درآمدی به سخن‌کاوی، *زبان‌شناسی*، ۱۰(۱)، ۱۰۹-۱۲۲.

منابع لاتین

Searle, J., D. Vanderveken (1985) *Foundation of illocutionary logic*, Cambridge: Cambridge University Press.

References

Book

- Ahmadi, Babak (1997) *Four reports of Attar's Tazkiat- Al -Awliya*, Tehran: Markaz. [In Persian]
- Attar Neyshaburi, Sheikh Mohammad Farid al -Din (2020) *Tazkirat- al -Awliya*, Tehran: Speech. [In Persian]
- Dad, Sima (2006) *Glossary of literary terms*, Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Ecteaalami, Mohammad (2012) *Al -Auliah Sheikh Fariduddin Mohammad Attar Neyshaburi*, Tehran: Zawar. [In Persian]
- Fotouh Rodmaghi, Mohammad (2011) *Theology typology, approaches and methods*, Tehran: Elmi-farhangi. [In Persian]
- Jarjani, Abdul Qahir ibn Abdul Rahman (2020) *The reasons for Al -Ajaz in Semantics*, Beirut; Lebanon: Dar al -Kutb al -Umayyah. [In Persian]
- Makarik, Irnarima (2006) *Encyclopedia of contemporary literary theories*, Trans. Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Aqa. [In Persian]
- Palmer, Frank (2012) *A new look at the semantic*, Trans. Kuroush Safavi, Tehran: Mad. [In Persian]
- Paya, Ali (2004) *Analytical philosophy: issues and vision*, Tehran: New Design. [In Persian]
- Safavi, Kuroush (2004) *An introduction to semantics*, Tehran: Islamic Science and Culture. [In Persian]
- Searle, J. and D. Vanderveken (1985) *Foundation of illocutionary Logic*, Cambridge: Cambridge University Press. [In Persian]
- Shaghghi, Vida (2007) *Principles of deviation*, Tehran: Position. [In Persian]
- Yarmohammadi, Lotfollah (2004) *The study of discourse analysis*, Tehran: Hermes. [In Persian]

Articles

Agha Gol zadeh, F., & Ghiasian, M. S. (2007). Main approaches to critical discourse analysis. *Language and Linguistics*, 3(5), 39-54. [In Persian]

Amini, S., Tahmasbi, F., & Zirak, S. (2020). Discourse stylistics of a qazal by Saadi (Focusing on two lexical and rhetoric layer analysis). *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12(46), 129-152. doi: 10.30495/dk.2020.679752. [In Persian]

Khorasani F, Gholamhoseinzadeh G, Hoseini M, & Saeedi Mehr M. (2016). Code and modality: Two distinguishing factors in the stylistic discourse analysis of Naser Khosro's odes. *LRR*, 7(4), 175-193. [In Persian]

Lotfi Pour Saadi, Kazem (1992). Introduction to Speech, *Linguistics*, 10 (1), 122-109. [In Persian]

Poormozaffari D. (2017). A macro-structure in mystical Maqâmâts and its ideological functions. *LCQ*, 10(37), 58-29. dor:20.1001.1.20080360.1396.10.37.7.8. [In Persian]

Sojudi, F., & Akbari, Z. (2015). Critical discourse analysis of Sufi masters' "Maqamat". *Classical Persian Literature*, 5(4), 73-97. [In Persian]

Zarghani, M., & Akhlaghi, E. (2012). An Analysis of Shath by 'Speech Act Theory'. *Mystical Literature*, 4(6), 61-80. doi: 10.22051/jml.2013.86. [In Persian]

Latin References

Searle ,J., D. Vanderveken (1985) *Foundation of Illocutionary Logic*, Combridge: Cambridge University Press.



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 57, Fall 2023, pp. 386-407

Date of receipt: 25/7/2022, Date of acceptance: 28/9/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1963679.2561](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1963679.2561)

Stylistic Analysis of an Anecdote from *Tazkirat-al-Awliya* by Attar Neishabouri in the Light of Critical Discourse Analysis

Vida Ali Asgari¹, Dr. Farhad Tahmasabi², Dr. Sara Zirak³

Abstract

Discourse stylistics is influenced by critical discourse analysis and role-oriented linguistics, which goes beyond the sentence level in literary texts and analyzes the text in the context of the situation. In this method, in addition to traditional stylistic analysis, content, influence of thoughts, ideology, and the atmosphere of text creation are explained and examined. This research uses a descriptive-analytical method to discover and recognize the various layers of *Tazkirat al-Awliya* as an outstanding mystical work, and examines the relationship between the layers of text, and language and ideology of the author. The results indicate that in the lexical level, the employment of religious vocabulary is influenced by the ideology of the text, highlighting the virtue and attention to the hereafter. This invites the reader to a world-hatred discourse of the text. The high frequency of informative and imperative objects and active verbs has resulted in the certainty and dogmatism of the text in the syntactic layer, and in the layer of pragmatics, explicit and persuasive morphemes have been used in the form of many news sentences, which show the author's awareness, belief and understanding of the issues raised. As a matter of fact, the author informs others about his inner desires and feelings, concerns and truths that is bound to. In the meta level, the text encourages the reader to leave the material world behind, and to devote to virtuous and ascetic life manifested in the dominant discourse of the text.

Keywords: Discourse stylistics, Lexical layer, Pragmatics layer, Syntactic layer, *Tazkirat-al-Awliya*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Vidaliasgari@gmail.com

². Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Farhad.tahmasabi@yahoo.com

³. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Sara.zirak@gmail.com